MEJDS. 2021; 11:39.

Published online 2021 June. **Research Article**

Lived Experiences of Working Women Concerning Marital Relationship as Marital Doubled Suffering

Dehghanizadeh HA[1], *Fallah MH[2], Vaziri S[3]

Author Address
1. Ph.D. Candidate in Counseling, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran;
2. Associate Professor of Psychology and Educational Sciences, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran;
3. Assistant Professor of Educational Sciences, Yazd Unit, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
***Corresponding Author Email:** Fallahyazd@iauyazd.ac.ir

Received: 2019 July 9; **Accepted:** 2019 August 4

Abstract

Background & Objectives: Considering complexities in social relations and changes in the structure of society, the family system has shifted from tradition to modernity. Women's outside–house employment is also among the attributes of modernity. Women's participation in the global workforce is on the rise. The occupational and marital role interference present women with the challenges of performing a double role. Investigations on the increasing women's employment highlighted some disadvantages that afflict children; however, its consequences on marital relationships mostly remain overlooked. The present study investigated the psychological dynamics of women's employment in their marital life. This study aimed at discovering working women's life experiences to accurately identify their experiences in marital life.

Methods: This study used an interpretive paradigm based on which the qualitative methodology was selected. Based on research questions and objectives, the grounded theory method was used in this research. The significance of this methodology lies in its theorizing capability as well as facilitating qualitative data analysis. Based on the theoretical sampling approach, the researcher selected 14 married women working in the Welfare Organization in Yazd City, Iran, from 2018 to 2019. Moreover, we employed an extensive and semi–structured interview to collect the required data. The sampling process continued to reach theoretical saturation; accordingly, data collection and analysis were performed simultaneously. The inclusion criteria of the study were as follows: women working; being married; having children, and at least two years of marriage. Unemployed, single, and childless women were excluded from this research. In this study, open coding and axial coding methods were used to analyze the obtained data. Initially, the researchers precisely transcribed the interviews. Consequently, these data provided an overview of the logic of the interviews. Then, the coding process was conducted. To achieve reliability, we used external peer review and verification partners. The researchers then presented the obtained results to 5 of their colleagues with experience in fieldwork and qualitative research and seek their opinion on the validation of their data. Additionally, in this process, we reviewed several categories and concepts. Thus, the researchers validated the research by presenting the achieved results to 4 individuals. Moreover, following the approval of the study participants as well as the principles and points of the interview, the complete registration of the events, and accurate implementation, the reliability was confirmed.

Results: The study findings were presented through careful study of the research interview transcriptions, the main propositions, concepts, and main categories; eventually, the core category was established in a long, precise, detailed, and conceptual process. Consequently, this study included 45 concepts, 16 main categories, including unhappiness, biopsychological discomfort, the lack of empathy, marital doubled suffering, inequity, sexual dissatisfaction, the rejection of fun, unbalanced responsibilities, role conflict, others' expectations, responsibility management, emotional responsiveness, job consensus, marital recognition, positive interaction, time adjustment, and satisfaction, as well as one core category, titled as "the marital doubled suffering".

Conclusion: Some working women could use positive strategies with favorable consequences, such as emotional responsiveness and positive interaction. Overall, the obtained results indicated double marital suffering in the target community.

Keywords: Women's employment, Work–Life balance, Work–Family conflict, Doubled suffering.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]

[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۰؛ (۱۱):۳۹.

انتشار برخط خرداد ۱۴۰۰ مقاله پژوهشی اصیل

رنج مضاعف زناشویی: کاوشی کیفی در تجربهٔ زیستهٔ زنان شاغل از رابطهٔ زن و شوهری

حسینعلی دهقانی‌زاده[۱]، *محمدحسین فلاح[۲]، سعید وزیری[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکترای مشاوره،گروه مشاوره ، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی ، یزد، ایران؛

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران؛

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** Fallahyazd@iauyazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۸ تیر ۱۳۹۸؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۳ مرداد ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: در بررسی اشتغال روزافزون زنان توجّه ما بیشتر به زیان‌هایی است که دامن‌گیر کودکان می‌شود؛ ولی به پیامدهای این وضعیت بر روابط زناشویی کمتر توجّه می‌کنیم. هدف از پژوهش حاضر کشف و کاوش تجربه‌های زیستهٔ زنان شاغل در بهزیستی برای شناخت عمیق تجربهٔ آنان از زندگی زناشویی بود.

روش‌بررسی: روش‌شناسی پژوهش حاضر روشی کیفی با رویکرد نظریهٔ زمینه‌ای بود. پژوهشگران برپایهٔ نمونه‌گیری نظری ۱۴ نفر از زنان متأهل شاغل در بهزیستی استان یزد را در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ انتخاب کردند و با آن‌ها مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام دادند. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. در این مسیر، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها هم‌زمان پیش رفت. در پژوهش حاضر از کدگذاری باز و محوری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. پژوهشگران در آغاز به‌طور دقیق چند بار متن مصاحبه‌ها را به‌طور کامل خواندند. این کار موجب شد که پژوهشگران نمایی کلّی از متن کامل و منطق کلّی مصاحبه‌ها داشته باشند. سپس فرایند کدگذاری انجام شد.

یافته‌ها: با بررسی دقیقِ متنِ مصاحبه‌ها، گزاره‌های اصلی، مفاهیم، مقوله‌های اصلی و درنهایت مقولهٔ مرکزی در فرایندی طولانی، دقیق، جزئی و مفهومی ارائه شد؛ درنتیجه این پژوهش شامل ۴۵ مفهوم و ۱۶ مقولهٔ اصلی و یک مقولهٔ مرکزی به نام رنج مضاعف زناشویی شد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، اگرچه بعضی از زنان شاغل توانسته‌اند از راهبردهای مثبت بهره ببرند که پیامدهای مثبتی را همچون پاسخ‌گویی عاطفی و تعامل مثبت به‌همراه داشته است، درکل نتایج نشان‌دهندهٔ رنج مضاعف زناشویی در جامعهٔ هدف بوده است.

کلیدواژه‌ها: اشتغال زنان، تعادل کار–خانواده، تعارض کار–خانواده، رنج مضاعف.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار–غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]

[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

۱ مقدمه

یکی از مراکزی که کارکنان شاغل در آن با استرس زیادی مواجه‌اند، مراکز بهزیستی است. این استرس در صورت تداوم باعث کاهش ویژگی مثبت روان‌شناختی و افت سلامت و بهزیستی روان‌شناختی می‌شود (۱). ایفای هم‌زمان نقش‌های خانگی و اجتماعی به‌دلیل ناهمخوانی بسیاری از مشاغل اجتماعی با ویژگی‌های زنانه و نیز به‌دلیل فشار ناشی‌از این دو فعالیت زنان را آسیب‌پذیر می‌کند (۲). برخی پژوهش‌های میدانی نشان داده‌اند، زنان شاغل درمقایسه با زنان خانه‌دار بیشتر اضطراب دارند که این وضع ناشی‌از تعدد نقش‌ها است. زنانی که نقش کارمند را با نقش‌های زناشویی و خانوادگی ترکیب می‌کنند، بیشتر از مردان دچار افسردگی می‌شوند. از سویی دیگر فشار عصبی ناشی‌از تعدد نقش‌ها زمینهٔ پیشرفت در عرصه‌های شغلی را برای زنان محدود می‌کند (۳). تحقیقات نشان می‌دهد که کوتاهی در دستیابی به تعادل صحیح بین کار و خانواده منجربه احساس فقدان کنترل و کاهش انرژی برای انجام تعهدات خانوادگی و زناشویی خواهد شد. نبود تعادل منجربه خستگی و عملکرد ضعیف و کاهش کیفیت رابطهٔ زناشویی می‌شود (۴). تحقیقات در زمینهٔ تعادل کار و زندگی نشان می‌دهد که بسیاری از افراد در ایجاد هماهنگی نقش‌های خاص در زندگی کاری و خانوادگی مشکلاتی را تجربه می‌کنند (۵). وضعیت زنان دارای فعالیت در خارج از خانه درمقایسه با مردان با تفاوت‌هایی همراه است و اصولاً نشان می‌دهد، زنان با مشکلات نقشی بیشتری روبه‌رو هستند و سبک زندگی زناشویی آن‌ها تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه این موضوع نمود بیشتری دارد (۶). مرادزاده و پیرخائفی در پژوهشی نشان دادند که میزان رضایت زناشویی کارکنان متأهل بهزیستی کم است و ازطریق درمان مبتنی‌بر پذیرش و تعهد به افزایش رضایت‌مندی زناشویی کارکنان بهزیستی پرداختند (۱). اردامار و دمیرل در پژوهشی با بررسی تعارض کار–خانواده در میان معلمان در نمونه‌ای ۳۶۴نفری نشان دادند که خستگی فیزیکی و ذهنی در محل کار، مسئولیت در خانه را دشوار می‌سازد و مشکلی که در مواجهه با کار به‌وجود می‌آید، باعث ایجاد تنش در خانه می‌گردد؛ علاوه‌براین معلوم شد که معلمان زن تعارض کار–خانواده را بیشتر تجربه می‌کنند (۷). فانگ در پژوهشی فرسودگی شغلی و تعارض کار–خانواده را در میان پرستاران چینی بررسی کرد. نتایج نشان داد، نمرات درگیری کار به خانواده بیشتر از درگیری خانوادگی به کار است (۸). سیتمین و همکاران در مطالعه‌ای کیفی به ارزیابی تعارض بین نقش‌های کاری و خانوادگی در میان والدین دارای فرزند با اختلال اوتیسم در مالزی پرداختند. نتایج مشخص کرد که تعادل‌برقرارکردن بین نقش‌های خانوادگی و نقش‌های شغلی بسیار چالش‌برانگیز است. همچنین نتایج نشان داد، حمایت اطرافیان در کاهش تعارض کار–خانواده بسیار مؤثر است (۹). فراهانی و همکارانش در پژوهشی عنوان کردند، بین متغیرهای مدت خدمت کاری و ساعت کار و متغیر رضایت‌مندی جنسی ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد (۱۰). ماتیلا–سانتاندر و همکاران در پژوهشی با بررسی نگرش کارگران اتحادیهٔ اروپا به شرایط کاری نشان دادند که بین رضایت از ساعت کاری و تعادل کار–زندگی رابطهٔ معناداری دیده می‌شود؛ همچنین ساعت کاری بیش‌ازحد منجربه نارضایتی می‌گردد (۱۱). از مؤلفه‌های مهم در رضایت زناشویی زنان شاغل، نقش ویژگی‌های شخصیتی همسر و میزان حمایت اطرافیان است؛ همچنان‌که زنجانی و باقیات اصفهانی در پژوهش خود نشان دادند، بین میزان همکاری همسر و میزان رضایت‌مندی زنان از زندگی رابطهٔ معناداری وجود دارد (۱۲). در زمینهٔ رضایت خانوادگی و زناشویی، تورلیک و بولیگا در پژوهشی به بررسی رضایت شغلی–خانوادگی و فرایندهای تقویت کار–خانواده پرداختند. نتایج مشخص کرد که افزایش در سطح رضایت خانوادگی با سطح زیادی از تعاملات مثبت بین دو نقش کار و خانواده مرتبط است (۱۳). همچنین در زمینهٔ رضایت زناشویی و شغل، نتایج پژوهش‌ها باهم متناقض است. طبق گفته‌های ژائو و همکاران اشتغال تأثیری بر رضایت زناشویی نمی‌گذارد (۱۴). گیرن هاس و پوول نیز به نتایج مشابهی دست یافتند (۱۵)؛ اما یانچوس و همکاران به نتایج متفاوتی رسیدند. آن‌ها دریافتند که اشتغال بر رضایت زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد (۱۶). عباسی اسفجیر و امیری موسوی در پژوهشی نشان دادند، بین استرس شغلی و سازگاری زناشویی رابطهٔ منفی وجود دارد (۱۷). همچنین بابائی گیوی و همکارانش در پژوهش خود عنوان کردند، زنان شاغل در دل‌زدگی زناشویی در بُعد روانی با زنان غیرشاغل دارای تفاوت معناداری هستند؛ ولی در مؤلفهٔ دل‌زدگی عاطفی و جسمی تفاوت معناداری ندارند (۱۸)؛ بنابراین باتوجه به اینکه زنان شاغل با چالش تعدد نقش و وظایف مواجه هستند و این موضوع دربارهٔ شاغلان در بهزیستی به‌دلیل روبه‌روبودن با افراد دارای معلولیت و آسیب‌پذیر، از اهمیت بسزاتری برخوردار است و احتمالاً در روند زندگی زناشویی آن‌ها اثرات بیشتری خواهد گذاشت، همچنین ازآنجاکه در پژوهش‌های پیشین به درک تجارب زیستهٔ زنان شاغل در بهزیستی بر زندگی زناشویی پرداخته نشده است، محققان این پژوهش بر آن شدند با استفاده از روش کیفی و به‌کارگیری مصاحبه‌های عمیق به چالش‌های فرا روی زنان متأهل شاغل در بهزیستی یزد بپردازند. در این مسیر آن‌ها تلاش کردند تا باورهای بنیادی ذهنی زنان شاغل را از زندگی زناشویی به‌طرز دقیق و جزئی کشف و مشخص نمایند که این دوگانگی نقش و ارائهٔ خدمات به معلولان و افراد ناتوان برای آن‌ها در رابطهٔ زناشویی چه معنا و مفهومی دارد؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف درک تجربهٔ زیستهٔ زنان شاغل در بهزیستی از رابطهٔ زن وشوهری انجام شد.

۲ روش‌بررسی

روش‌شناسی پژوهش حاضر برپایهٔ پارادایم تفسیری طرح‌ریزی شد که برپایهٔ این پارادایم روش‌شناسی کیفی به‌کار رفت. در این میان، برپایهٔ پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و هدف‌های پژوهش، از روش کیفی نظریهٔ زمینه‌ای استفاده شد (۱۹). اهمّیت این روش‌شناسی از یک‌سو به شایستگی آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی است. این روش در پی دستیابی به سطحی بیشتر از توصیف یعنی به‌دنبال تولید یا کشف نظریه است. این توصیف شامل آنچه آن‌ها تجربه کرده‌اند و چگونگی تجربهٔ آنان می‌شود. نمونه‌گیری پژوهش حاضر برپایهٔ نمونه‌گیری نظری انجام شد. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش عبارت بود از: ۱. زنان شاغل در بهزیستی یزد باشند؛ ۲. متأهّل باشند؛ ۳. دارای فرزند باشند؛ ۴. دست‌کم دو

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد. زنان غیرشاغل، مجرد و بدون فرزند به‌عنوان معیارهای خروج از پژوهش در نظر گرفته شدند.

پژوهشگران ۱۴ نفر از زنان متأهّل شاغل در بهزیستی استان یزد را در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ برگزیدند و با آن‌ها مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته انجام دادند. گفتنی است فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت و در این راه، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها هم‌زمان پیش رفت. در این پژوهش از کدگذاری باز و محوری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. بدین‌گونه که با انجام هر مصاحبه تجزیه‌وتحلیل نیز آغاز شد و با پایان تجزیه‌وتحلیل، مصاحبهٔ بعدی انجام گرفت. پژوهشگران در آغاز به‌طور دقیق چند بار متن مصاحبه‌ها را کامل خواندند. این امر موجب شد پژوهشگران نمایی کلّی از متن کامل و منطق کلّی مصاحبه‌ها داشته باشند. سپس فرایند کدگذاری انجام پذیرفت. برای دستیابی به قابلیت اعتماد از بررسی همکاران ممیّزی خارجی و تأیید مشارکت‌کنندگان استفاده شد (۲۰). بدین‌صورت که پژوهشگران نتایج پژوهش خود را به پنج نفر از همکارانشان که تجربهٔ کار میدانی و پژوهشی به‌شیوهٔ کیفی داشتند، ارائه کردند و دربارهٔ اعتباربخشی داده‌هایشان از ایشان پرسیدند. همچنین در فرایند این مسئله، شماری از مقوله‌ها و مفهوم‌ها را بازبینی کردند. به‌علاوه در این راه پژوهشگران با ارائهٔ نتایج پژوهش به چهار نفر و با بهره‌گیری از راهبرد تأیید شرکت‌کنندگان به این پژوهش اعتبار بخشیدند و با رعایت اصول و نکته‌های مصاحبه، ثبت رخدادهای کامل و پیاده‌سازی دقیق اتّکاپذیری تأیید شد.

پیش از آغاز مصاحبه دربارهٔ مسائل اخلاقی با مصاحبه‌شوندگان گفت‌وگو شد؛ دربارهٔ اینکه نام و نشانی از آن‌ها فاش نخواهد شد و همهٔ نام‌ها به‌صورت مستعار خواهد بود؛ همچنین مصاحبه‌شوندگان حق داشتند به پرسش‌هایی که آن‌ها را معذّب می‌کند، پاسخ ندهند؛ به‌علاوه به آن‌ها اطمینان داده شد کسی جز پژوهشگران مجاز به شنیدن و خواندن مصاحبه‌ها نیست و پس از تحلیل، مصاحبه‌ها از میان برده خواهد شد. در جدول ۱ ویژگی‌های دموگرافیک مصاحبه‌شوندگان آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	نام مخفّف	شغل	سن	سابقه	سال‌های گذشته از ازدواج	شغل همسر	شمار فرزند
۱	ح. ر.	شاغل در بهزیستی	۴۳	۱۸	۱۹	کارمند	۳
۲	ن. د.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۱۷	۱۵	کارمند	۲
۳	ف. ه.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۱۵	۲۳	بازنشستهٔ فرهنگی	۲
۴	ف. ر.	شاغل در بهزیستی	۳۴	۸	۱۰	کارمند	۱
۵	ب. ا.	شاغل در بهزیستی	۳۴	۱۱	۸	کارمند	۱
۶	ی. ت.	شاغل در بهزیستی	۳۶	۱۰	۳	کارمند	۱
۷	ز. م.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۲۴	۳۳	بازنشستهٔ فرهنگی	۴
۸	ن. گ.	شاغل در بهزیستی	۴۰	۶	۱۹	پزشک	۲
۹	م. ن.	شاغل در بهزیستی	۳۷	۱۰	۷	آموزگار	۱
۱۰	ا. س.	شاغل در بهزیستی	۳۹	۱۷	۱۱	کارمند	۲
۱۱	م. ت.	شاغل در بهزیستی	۳۸	۱۴	۱۱	آزاد	۲
۱۲	ن. ش.	شاغل در بهزیستی	۳۲	۸	۶	کارمند	۱
۱۳	ش. ه.	شاغل در بهزیستی	۴۴	۱۸	۲۱	آزاد	۳
۱۴	م. ک.	شاغل در بهزیستی	۳۷	۱۳	۱۲	کارمند	۲

۳ یافته‌ها

با بررسی دقیق متن مصاحبه‌های تحقیق، گزاره‌های اصلی، مفاهیم، مقوله‌های اصلی و درنهایت مقولهٔ مرکزی، ارائه شد؛ درنتیجه، مطابق جدول ۲ این پژوهش از ۴۵ مفهوم و ۱۶ مقولهٔ اصلی و یک مقولهٔ مرکزی به نام رنج مضاعف زناشویی ساخته شده است. یافته‌های تحقیق در دو بخش خط داستان و مدل پارادایمی ارائه خواهد شد.

جدول ۲. گزاره‌ها، مفهوم، مقوله‌های اصلی و مرکزی مربوط به رنج مضاعف زناشویی در تجربهٔ زیستهٔ زنان شاغل از رابطهٔ زن و شوهری

گزاره	مفهوم	مقولهٔ اصلی	مقولهٔ مرکزی
من وقتی مددجویی دارم که مسائل خانوادگی داره، انرژی منفی ازش می‌گیرم. یه‌بخشی از این انرژی منفی را می‌برم خونه.	انتقال انرژی منفی از کار با مددجو به منزل	فقدان نشاط	رنج مضاعف زناشویی
به رابطه با همکارش مشکوک می‌شم. نکنه اونم داره من را گول می‌زنه.	بدبینی به همسر ناشی‌از مشکلات مددجویان		
مثلاً یه‌مددجوی بددهن واژهٔ زشتی به‌کار می‌گیره. بالاخره ممکنه یک‌زمانی ازش استفاده کنم.	انتقال کلام منفی مددجویان به همسر		

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

وقتی انرژی نداری تو رابطه هم نمی‌تونی انرژی بذاری.	کاهش انرژی برای گذران وقت کیفی با همسر	
وقتی من خسته‌ام ارتباط عاطفی و کلامی مثبت با همسرم ندارم.	کاهش ارتباط عاطفی با همسر ناشی‌از خستگی کار با مددجو	
چون ذهنم و روحم خسته است نمی‌تونم احساس شادی کنم.	کاهش شادی ناشی‌از خستگی ذهنی و روانی	
صبح هم که بلند می‌شم عصبانی هستم.	پرخاشگری با همسر ناشی‌از مشکلات مددجویان	
تحریک‌پذیر شدم، زودرنج شدم، زود به من برمی‌خوره.	زودرنجی در رابطه با همسر ناشی‌از کار با مددجویان	
می‌گم پرستار بچه‌های شیرخوار یک‌دفعه خواب نره. نکنه سهل‌انگاری کنند.	اضطراب و استرس بابت مسائل کاری شیرخوارگان	عوارض جسمانی و روانی
استرس و اضطراب شبانه‌روزی تو محیط شیرخوارگاه باعث فشارخون شده برام.	مشکلات جسمانی ناشی‌از مراقبت از شیرخوارگان	
تو محیط شیرخوارگاه شرایط سختی هست، از لحاظ روحی و روانی ذهنم درگیره.	دغدغهٔ عاطفی و روانی ناشی‌از مراقبت از شیرخوارگان	
می‌گه تو چکار می‌کنی پول تو چه کمک آنچنانی کرده به ما.	قدرنشناسی	عدم همدلی
اون لحظه او می‌گه نرو سر کار. یک‌بار هم اتفاق افتاد همین جور چیزی بحث شد؛ اگر بحث پولش را بکنی که حتماً نمی‌ذاره بری سر کار اصلاً نباید بگم.	استفادهٔ ابزاری از شغل زن برای فرار از مسئولیت‌ها	
من خیلی به کمک احتیاج دارم که یکی بهم کمک کند؛ یکی ظرف‌ها را بشوره یکی به بچه‌ها درس بده. من خیلی خسته می‌شم.	نیاز به کمک در کارهای خانه	
بله فشار می‌آید روی آدم. دیگه تحملش تموم می‌شه.	فشار روانی دربرابر وظایف	مشقت دوچندان
سر کار هم نرو. هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شه؛ این مهم‌ترین چالشیه که داریم.	رنج همسر ناسپاس	
به‌هرحال حواسم به یک‌سری از نیازهای همسرم نیست.	غفلت از نیازهای همسر	
بعضی وقت‌ها دلخوری پیش می‌آید و بعدش باید یه‌کارهایی انجام بدی که دوست نداری تا این دلخوری ترمیم بشه.	باج‌دادن	
یه‌متلکی هم می‌گفت؛ چه عجب تشریف آوردید.	اعتراض شوهر به شغل زن	عدم انصاف
وقتی خودم را مقایسه می‌کنم، می‌گم همه‌اش دارم می‌دوم. تو خونه دارم می‌دوم. بیرون می‌دوم. سرکار	قرارگرفتن در موقعیت‌های نابرابر	
وقتی خودمو مقایسه می‌کنم با همکارم می‌گم که واقعاً اینجا هم چقدر تبعیض هست.		
بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم سر کار رفتن من یک‌نقطه ضعفی شده دست شوهرم که تا مشکلی پیش می‌آید می‌گه نرو سر کار.	شغل زن به‌عنوان دستاویزی برای بهانه‌جویی شوهر	
اینکه آدم خسته هست خیلی روی روابط جنسیش تأثیر می‌ذاره.	تأثیر منفی بر روابط جنسی	نارضایتی جنسی
همیشه خودم را سرزنش می‌کنم که با این تعدد مسئولیت‌ها از قسمت رابطهٔ جنسی کم می‌ذارم.	احساس گناه درمقابل کوتاهی‌های جنسی	
ولی اکثر مواقع خسته بودم و نمی‌رفتم.	تأثیر خستگی بر اوقات فراغت	چشم‌پوشی از تفریح
ما الان ۷ سال است که باهم ازدواج کردیم یک‌بار رفتیم سینما.	تأثیر منفی اشتغال بر تفریح	
زمانی‌که به اتفاق همسر به منزل می‌آییم، اگر وسایل به‌هم ریخته باشد در آن لحظه عنوان می‌کند که ایرادی ندارد اما فردای آن روز می‌گوید چرا خانه به‌هم ریخته	دوگانگی بین خواسته‌های همسر	تعارض نقش

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

است.		
یک‌روز می‌گه نرو سر کار. یک‌روز می‌گه برو.	تناقض‌گویی	
خیلی وقت‌ها موندم کارم را ادامه بدم یا نه.	دوراهی رفتن یا نرفتن سر کار	
این برام دغدغه شده؛ هم مادرم هم همسر هستم هم شاغلم.	نگرانی ناشی‌از نقش چندگانه	
من باید با بچه‌ها بازی کنم یا کارها را انجام بدم یا اونا تکالیفشون را انجام بدهند.	بیش‌مسئولیت‌پذیری زن شاغل	مسئولیت‌های نامتعادل
ولی وقتی من میام، نفس راحت می‌کشه و بالشت را برمی‌داره و می‌خوابه.	پذیرش حداقلی مسئولیت توسط شوهر	
خانوادهٔ همسرم انتظاراتی دارند.	توقعات خانوادهٔ همسر	انتظارات دیگران
اونم از من خواسته‌هایی داره.	توقعات همسر	
من درقبال شوهرم وظایفی دارم که باید تلاش کنم اون‌ها را حل کنم.	مسئولیت درقبال چند نقش و تلاش برای حل آن‌ها	مدیریت مسئولیت‌ها
تو محل کار فکر این را دارم که کارهای منزل چی می‌شه.	دغدغهٔ وظایف خانوادگی	
همسر حمایتگر خوبی دارم.	پشتیبانی همسر	پاسخ‌گویی عاطفی
مادرشوهر من وقتی شوهرم مأموریت می‌رفتند، می‌اومدند اونجا خیلی کمک می‌کردند.	پشتیبانی خانوادهٔ همسر	
ما اصلاً من و تویی نداریم.	توافق مالی	توافق شغلی
باهم مباحث کاری مشترک زیاد داریم.	شباهت‌های شغلی	
الان فهمیدم که همسرم به تفریح نیاز داره.	آشنایی با نیازهای همسر	شناخت زناشویی
بالاخره یک‌راه‌هایی پیدا کردم که بتونم این روابط عاطفی را افزایش دهم.	دستیابی به راه‌حل‌های جدید در روابط زناشویی	
رابطه‌ام با همسرم خوب هست و فکر می‌کنم همه را پوشش می‌دهد.	رضایت از رابطه با همسر	تعامل مثبت
در مسائل مهم اقتصادی همسرم هر کاری بخواد انجام بده، نظر می‌گیره و مشورت می‌گیره.	همکاری اقتصادی	
زمان مرخصی زایمان روابط عاطفی‌مون خیلی خیلی خوب شد.	بهبود روابط زناشویی در زمان مرخصی	تعدیل زمان و رضایت‌مندی
به‌خاطر این هست که می‌بینه کار کمتر شده و اوضاع رابطه‌مون هم بهتر شده.	ساعت کاری کمتر و رضایت از زندگی بیشتر	

خطّ داستان

در این بخش سعی شد جریان اصلی پژوهش که در جدول ۲ آمده است به‌طور خلاصه بررسی شود.

کارکردن با افراد دارای معلولیت و آسیب‌پذیر انرژی زیادی از زنان شاغل می‌گیرد که این موضوع باعث می‌شود آن‌ها در رابطهٔ زناشویی از کمبود نشاط دچار رنج شوند؛ برای نمونه م. ک. گفت: «یک‌بخشی از انرژی من تخلیه شده و جاش انرژی نیست و برای همین نمی‌تونم شادی رو تو خونه ایجاد کنم.»

از دشواری‌هایی که بانوان شاغل با آن روبه‌رو هستند، عارضه‌های جسمانی و روانی است. آن‌ها از دید روانی با مسائلی همچون اضطراب مواجه می‌شوند و از لحاظ جسمانی دچار عارضهٔ فشارخون و خستگی مفرط جسمی می‌شوند. بانوان شاغل باتوجّه به اینکه نقش خانه‌داری و نیز نقش نان‌آوری را بر عهده دارند، از لحاظ روانی فشار مضاعفی را تجربه می‌کنند. یکی از مسائلی که آن‌ها را در رابطهٔ زناشویی آزار می‌دهد، نبود درک و همدلی همسر است؛ برای نمونه ح. ر. گفت: «وقتی می‌گم من هم دارم کمک مالی می‌کنم، می‌گه فکر کردی حالا چه تأثیری داره. بشین تو خونه خودم توانایی پرداخت هزینه‌ها رو دارم.»

در این فضا بسیاری از زنان با همسران ناسپاسی روبه‌رو بودند که نه‌تنها قدر زحمت و کوشش آن‌ها را ندانستند، بلکه به‌گونه‌ای ناسپاسی کردند. درمجموع این امر به مشقت دوچندان در زنان شاغل می‌انجامد؛ برای نمونه ن. د. گفت: «این خیلی سخته؛ مثلاً بچّه مریض می‌شه، منم صبح یه‌جلسهٔ کاری مهمی دارم خیلی کارم سنگینه و حتماً باید بیایم سر کار. همسرم می‌گه که خوب نرو سر کار. نمی‌شه که نرم سر کار. انتظار دارم او درک کنه.»

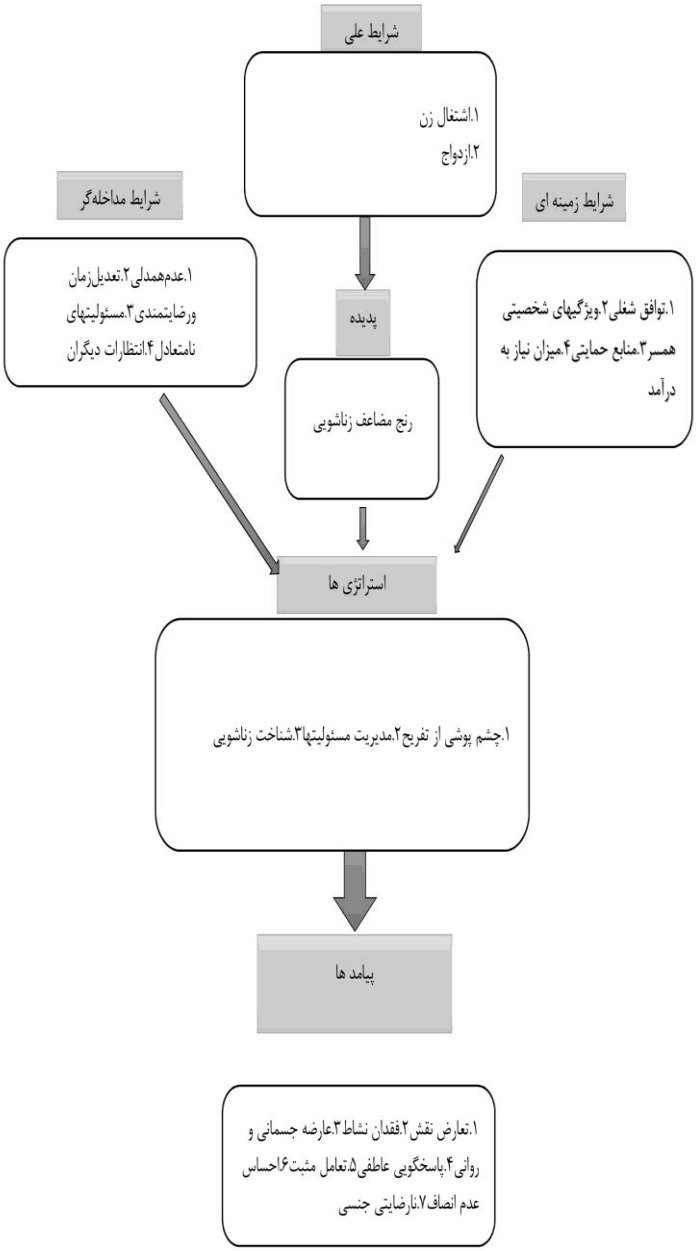
یکی از مشکلات مهمی که زنان شاغل به‌منزلهٔ تجربهٔ زیستهٔ خود بیان کردند، ناخشنودی جنسی بود. ازآنجاکه زنان شاغل با مجموعه‌ای از فشارهای روانی و جسمانی روبه‌رو هستند، متناسب با این وضعیت دارای خشنودی و ارضای مطلوب نیاز جنسی نیستند؛ این امر خود به ناخشنودی جنسی در آن‌ها می‌انجامد؛ برای نمونه ف. ر. گفت: «با همهٔ این سختی‌ها می‌خوای بری بخوابی حالا باز یک‌نیاز پیش اومده که دیگه تمایلی به رابطهٔ جنسی نیست.»

یکی از موقعیت‌های چالش‌برانگیزی که زنان شاغل در آن قرار داشتند،

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

ناسازگاری نقش‌ها بود. در این حالت فرد در موقعیت تعارض‌آمیز قرار می‌گیرد که میان خانه‌داری و اشتغال کدام اهمّیت بیشتری دارد؛ برای نمونه ن. گ. گفت: «سرسام می‌گیرم؛ هم باید همسر خوبی باشم هم کارمند خوبی. بین چندراهی قرار می‌گیرم که کدوم یک از این‌ها مهم‌تر هست؟»

در خانواده‌های هر دو شاغل این احتمال وجود دارد که زن مسئولیت‌های بیشتری را عهده‌دار باشد و در این وضعیت خانواده دچار مسئولیت‌های نامتعادل می‌شود؛ برای نمونه ز. م. گفت: «من باید غذا بپزم، بعد ظرف‌ها را باید بشورم، جارو باید بکنم. شاید با بچه‌ها بریم پارک. بر که می‌گردیم می‌بینم هنوز ظرف‌شویی پر هست.»



نمودار ۱ . مدل پارادایمی پژوهش

یکی دیگر از مسائلی که زنان شاغل با آن روبه‌رو بودند، انتظارهای دیگران بود. انتظارات نقش مهمّی در تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها میان زوج‌ها ایفا می‌کنند؛ به این معنا که واکنش همسر به نبود تقسیم کار احتمالاً بسیار متفاوت خواهد بود؛ اگر او چنین وضعیتی را انتظار داشته باشد یا نداشته باشد. انتظارات واقع‌بینانه یا غیرواقع‌بینانه می‌تواند تأثیراتی مثبت یا منفی در فرایند رابطهٔ زناشویی بگذارد؛ برای نمونه م. ت. گفت: «باید این‌ها را لحاظ می‌کردیم. من الآن خسته‌ام. نمی‌تونم نیازها رو برآورده کنم. هر نیازی؛ نیاز غذا تا نیاز جنسی و زمانی‌که نمی‌تونی، دلخوری پیش میاد.»

زنان شاغل به‌دلیل داشتن مسئولیت‌های فراوان نیاز به مدیریتی دارند تا احساس آرامش بیشتری کنند؛ برای نمونه ن. ش. گفت: «من درقبال شوهرم وظایفی دارم که باید تلاش کنم اون‌ها را حل کنم.»

زنان شاغل در بهزیستی به‌دلیل اینکه فشار روانی زیادی را تجربه می‌کنند، انتظار دارند از جانب همسرشان توجّه و تحسین و حمایت

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

ببینند. در برخی خانواده‌ها آن‌ها از سوی همسرانشان این پاسخ‌گویی عاطفی را دریافت می‌کنند؛ برای نمونه ف. ه. گفت: «خداییش خیلی خوب درک می‌کنه. متوجّه می‌شه که من امروز مودم پایین هست، سعی می‌کنه که اون روز زودتر بیاد خونه و دیرتر بره. یه‌جوری که انرژی بده.» برخی از زوج‌های هر دو شاغل می‌کوشند نقطه‌های مشترک زیادی در رابطهٔ کاری و شغلی خود پیدا کنند؛ همچنین به‌منظور بهبود رابطه و احساس خشنودی بیشتر به توافق دربارهٔ روش صرف درآمدها دست می‌یابند که هر دوی این‌ها به کسب توافق شغلی می‌انجامد؛ برای نمونه ن. ش. گفت: «ما اصلاً من و تویی نداریم. باتوجّه به اینکه آقای ما هم هیچ وقت نمی‌گه حقوقت رو چه کار می‌کنی. یا باهم می‌ریم خرید من کارت می‌کشم، خوشش نمیاد می‌گه من خودم می‌کشم. وام مشترک می‌گیریم قسط رو هم باهم می‌دیم.»

ازجمله راهبردهای سودمندی که زنان شاغل از آن بهره می‌گیرند، افزایش شناخت زناشویی است. این شناخت شامل کشف نیازها، جنبه‌های منحصربه‌فرد همسر، چگونگی برقراری تعامل و ارتباط سودمند با همسر است؛ برای نمونه ا. س. گفت: «الآن فهمیدم که همسرم به تفریح نیاز داره.»

برخی از زنان شاغل با کسب مهارت‌ها و توان‌مندسازی خود می‌کوشند تعامل مثبتی با همسر خود برقرار کنند که این خود موجب خشنودی و رضایت بیشتر در رابطه می‌شود؛ برای نمونه ن. گ. گفت: تلاش می‌کنم رابطهٔ خوبی با همسرم برقرار کنم و این خیلی از چالش‌ها و مشکلات را پوشش می‌دهد.»

در پایان زنان شاغل گفتند به‌منظور افزایش سطح خرسندی خانوادگی خود در طول زمان به این نکته دست یافته‌اند که با تعدیل زمان کار می‌توانند این سطح خرسندی را افزایش دهند؛ برای نمونه م. ت. گفت: «به‌خاطر این هست که می‌بینه کار کمتر شده و اوضاع رابطه‌مون هم بهتر شده.»

مدل پارادایمی

در اینجا سعی خواهد شد مقولات پژوهش در قالب مدل پارادایمی ارائه شود. مدل پارادایمی شامل قسمت‌های مختلفی است که عبارت است از: شرایط علّی؛ شرایط زمینه‌ای؛ شرایط مداخله‌گر؛ استراتژی‌ها؛ پیامدها. همچنین، پدیدهٔ مرکزی در میانهٔ مدل قرار گرفته است. مقولهٔ مهم‌تر در این پارادایم مقولهٔ مرکزی یعنی رنج مضاعف زناشویی است.

۴ بحث

هدف از این پژوهش درک تجربهٔ زیستهٔ زنان شاغل در بهزیستی از رابطهٔ زن و شوهری بود؛ اینکه گوناگونی نقش‌ها و وظیفه‌ها از یک‌سو و ارائهٔ خدمات به افراد آسیب‌پذیر و کم‌توان از سوی دیگر برای آن‌ها در رابطهٔ زناشویی چه معنا و مفهومی دارد. نتایج شامل ۴۵ مفهوم و ۱۶ مقولهٔ اصلی و یک مقولهٔ مرکزی به نام رنج مضاعف زناشویی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که درک و تجربهٔ زیستهٔ زنان، مثبت و نیز منفی است؛ اگرچه فرایند کلّی تجربهٔ آن‌ها، رنج مضاعف زناشویی را بیان می‌کند. این نتایج با پژوهش ژائو و همکاران همسوست. آن‌ها مشخص کردند اشتغال تأثیری بر خشنودی زناشویی نمی‌گذارد (۱۴). این پژوهش از سوی دیگر با مطالعهٔ یلدریم و اکار که نشان دادند تعارض کار–خانواده متغیّری پیش‌بینی‌شده بر خرسندی از زندگی است (۴)، همسوست. در تبیین یافته‌های این پژوهش برپایهٔ الگوی پارادایمی، کار بانوان و ازدواج شرایط علّی به‌شمار می‌آیند؛ زیرا از زمانی‌که زنان به‌دلیل تغییرات اجتماعی از نقش خانه‌داری به نقش نان‌آوری خانواده وارد شدند، اگر گوناگونی وظیفه‌ها و مسئولیت‌ها را به‌شیوهٔ درستی مدیریت نکنند و تعادلی بین کار و خانواده نباشد، این امر می‌تواند به دشواری و افزایش فشار روانی در رابطهٔ زناشویی بینجامد.

همچنین یکی دیگر از عامل‌های علّی موجود می‌تواند ازدواج زنان شاغل باشد؛ زیرا تا هنگامی‌که آن‌ها مجرّد هستند، نقش‌های زنی متأهل را (ارتباط با همسر، فرزندداری، خانه‌داری) ندارند. بسیاری از آنان گزارش دادند در زمان مجرّدی با دشواری‌های بسیار کمی روبه‌رو بوده‌اند. این تبیین با یافته‌های فانگ همسوست. او نشان داد، نمره‌های درگیری کار به خانواده بیشتر از درگیری خانوادگی به‌کار است (۸). شرایط زمینه‌ای در این پژوهش عبارت بود از: توافق شغلی؛ ویژگی‌های شخصیتی همسر؛ منابع حمایتی؛ میزان نیاز به درآمد.

همچنین ویژگی‌های شخصیتی همسر و منابع حمایتی ازجمله عامل‌های زمینه‌ای مهم در شکل‌گیری درک تجربهٔ زیستهٔ زنان شاغل است. همسرانی که حمایتگر هستند و شخصیت انعطاف‌پذیری دارند، می‌توانند در رویارویی با چالش‌های رابطهٔ زناشویی یکدیگر را یاری کنند و فشارهای ناشی‌از گوناگونی وظیفه‌ها و نقش‌ها را کاهش دهند. این تبیین با پژوهش زنجانی و باقیات که نشان دادند میان میزان همکاری و میزان خرسندی بانوان از زندگی زناشویی پیوند معناداری وجود دارد (۱۲)، همسوست. شرایط مداخله‌گر در این پژوهش عبارت بود از: نبود همدلی؛ مسئولیت‌های نامتعادل؛ انتظارهای دیگران؛ تعدیل زمان؛ خرسندی. بسیاری از زنان شاغل با همدل‌نبودن همسر خود روبه‌رو هستند. زمانی‌که آن‌ها به‌دلیل فشارهای کاری و خانوادگی صرفاً از سوی همسرشان نیاز به درک و فهمیده‌شدن دارند، متأسفانه همسرشان با ضعف در این مهارت و درک‌نکردن زن شاغل آسیب‌های رابطهٔ دوتایی را افزایش می‌دهد. این یافته با پژوهش بابائی گیوی و همکارانش که نشان دادند زنان شاغل در دل‌زدگی زناشویی در بُعد روانی با زنان غیرشاغل تفاوت معناداری دارد (۱۸)، همسوست.

از دیگر عامل‌های مداخله‌گر در رابطهٔ زناشویی زنان شاغل، توزیع نابرابر و نامتعادل مسئولیت‌ها است که به احساس ناخشنودی و نارضایتی در زنان شاغل می‌انجامد. این تبیین با پژوهش سایوکن و همکاران همسوست. آن‌ها به بررسی تعارض کار–خانواده و راهبردهای اصلاحی آن پرداختند و نشان دادند که تعارض بین کار–خانواده و محدودیت‌های مرتبط با آن به پریشانی عاطفی و احساسی در خانواده می‌انجامد (۵). انتظارهای همسر و اطرافیان می‌تواند به‌منزلهٔ عاملی مداخله‌گر فشار روانی و مشکلات رابطه‌ای را بیشتر کند؛ اگرچه تعدیل و کاهش میزان زمان اشتغال می‌تواند سطح رضایت‌مندی و خشنودی از رابطه را افزایش دهد. این تبیین با یافته‌های پژوهش ماتیلا–سانتاندر و همکاران همسوست. آن‌ها مشخص کردند میان خشنودی از ساعت کاری و تعادل کار–زندگی پیوندی معنادار وجود دارد و ساعت کاری بیش‌ازحد سبب ناخشنودی می‌شود (۱۱).

در تحلیل الگوی پارادایمی پژوهش حاضر مشخص شد، متناسب با

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

راهبردهایی که زنان شاغل به‌منزلهٔ روش مقابله دربرابر رنج مضاعف زناشویی به‌کار می‌برند، پیامدهایی نیز برای آن‌ها به‌همراه دارد. به‌دلیل اینکه آن‌ها تحت‌تأثیر آلام و دردهای مددجویان قرار می‌گیرند، اگرچه رضایتی معنوی از ارائهٔ خدمت دارند در بسیاری از مواقع تحت‌تأثیر حالت‌های عاطفی و روانی منفی قرار گرفته که این حالت‌ها می‌تواند بر مسائل فردی و زناشویی آن‌ها تأثیرگذار باشد.

بسیاری از زنان گزارش می‌دهند، این وضعیت دشوار منجربه نبود شادابی در رابطهٔ زناشویی آن‌ها شده است که این موضوع می‌تواند به نارضایتی زناشویی ختم شود. این تبیین با پژوهش مرادزاده و پیرخائفی همسوست. آن‌ها نشان دادند، میزان خرسندی زناشویی کارکنان متأهّل بهزیستی کم است (۱). همچنین زنان شاغل در بهزیستی با عارضه‌های جسمانی و روانی روبه‌رو بودند. آن‌ها گزارش دادند به‌دلیل اضطراب همیشگی با مشکلات جسمانی همچون فشارخون و خستگی مفرط جسمانی مواجه هستند. این یافته با نتایج پژوهش ارادامار و دمیرل که نشان دادند خستگی فیزیکی و ذهنی در محل کار مسئولیت خانگی را دشوار می‌کند (۷)، همسوست.

ازجمله پیامدهای منفی دیگری که زنان شاغل در بهزیستی تجربه کردند، تعارض نقش بود. اینکه زنان شاغل میان نقش‌های مربوط به همسری و خانه‌داری و همچنین نقش شاغل‌بودن، باید یکی را انتخاب کنند یا ترجیح با کدام باشد، دچار سردرگمی و تعارض در نقش‌ها می‌شوند. همین حالت‌ها اثرهای مخرّب و منفی بر رابطهٔ زناشویی خواهد گذاشت. این تبیین با پژوهش سیتمین و همکاران همسوست. آن‌ها در مطالعه‌ای کیفی به تعارض میان نقش‌های کاری و خانوادگی در میان پدر و مادر دارای فرزند با اختلال اوتیسم پرداختند و نشان دادند که تعادل‌برقرارکردن میان نقش‌های خانوادگی و نقش‌های شغلی بسیار چالش‌برانگیز است (۹).

از پیامدهایی بسیار جدی‌ای که زنان شاغل در این پژوهش گزارش دادند، ناخرسندی جنسی بود. آن‌ها به‌دلیل خستگی و فشار ناشی‌از کار گرایش کمتری به رابطهٔ جنسی با همسر داشتند. این موضوع ناخشنودی را در رابطهٔ زناشویی در پی داشت. این تبیین با نتایج پژوهش فراهانی و همکاران که نشان دادند میان متغیّرهای مدّت خدمت کاری و ساعت کار و متغیّر خشنودی از رابطهٔ جنسی پیوندی معنادار و معکوس است (۱۰)، همسوست. در ادامهٔ تحلیل پژوهش حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که هرگاه زنان شاغل از راهبردهای مثبت استفاده می‌کنند، طبیعی است که پیامدهای مثبتی نیز دریافت می‌نمایند. از پیامدهای بسیار مهم، دریافت پاسخ عاطفی مناسب و ارضای نیازهای این حوزه است. همچنین برقراری ارتباط و تعامل مثبتی که همسران آن‌ها با زنان شاغل برقرار می‌کنند، ازجمله پیامدهای مثبت دیگر است. این تبیین با یافته‌های تورلیک و بولیگا که نشان دادند افزایش سطح خشنودی خانوادگی با سطح بیشتری از تعاملات مثبت میان دو نقش کار و خانواده پیوند دارد (۱۳)، همسوست.

درنهایت زنان شاغل در رویارویی با موقعیت‌های علّی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها، پدیدهٔ رنج مضاعف زناشویی را تجربه می‌کنند؛ رنج مضاعفی که ازدواج برای زنان شاغل متأهّل در بهزیستی از رابطهٔ زناشویی به‌وجود آورده است. این تبیین با یافته‌های پژوهش یانچوس و همکاران که عنوان کردند اشتغال بر خشنودی زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد (۱۶) و نتایج پژوهش عباسی اسفجیر و امیری موسوی که نشان دادند میان اضطراب کاری و سازگاری زناشویی وابستگی منفی وجود دارد (۱۷)، همسوست.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، اگرچه بعضی از زنان شاغل در مواجهه با چالش‌های اشتغال در رابطهٔ زناشویی از استراتژی‌های مثبت استفاده کرده‌اند که متناسب با آن پیامدهای مثبتی همچون پاسخ‌گویی عاطفی و تعامل مثبت به‌همراه داشته است، به‌طورکلی نتایج نشان‌دهندهٔ رنج مضاعف زناشویی در جامعهٔ هدف بوده است.

۶ تشکروقدردانی

از تمامی کارکنان ادارهٔ کل بهزیستی استان یزد که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری در رشتهٔ مشاوره در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد با کد مصوب ۲۵۶۵۵۳۴ است. در این پژوهش پیش از آغاز مصاحبه دربارهٔ مسائل اخلاقی با مصاحبه‌شوندگان گفت‌وگو شد؛ دربارهٔ اینکه نام و نشانی از آن‌ها فاش نخواهد شد و همهٔ نام‌ها به‌صورت مستعار خواهد بود؛ همچنین مصاحبه‌شوندگان حق داشتند به پرسش‌هایی که آن‌ها را معذّب می‌کند، پاسخ ندهند؛ به‌علاوه به آن‌ها اطمینان داده شد کسی جز پژوهشگران مجاز به شنیدن و خواندن مصاحبه‌ها نیست و پس از تحلیل، مصاحبه‌ها از میان برده خواهد شد.

تزاحم منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

منابع مالی

این پژوهش بدون هرگونه حمایت مالی نهاد یا سازمانی انجام شده است.

References

1. Moradzadeh F, Pirkhaefi A. The effectiveness of acceptance and commitment therapy on marital satisfaction and cognitive flexibility among married employees of the welfare office. Iranian Journal of Psychiatric Nursing. 2018;5(6):1–7. [Persian] doi: 10.21859/ijpn-05061
2. Blustein DL. A relational theory of working. Journal of Vocational Behavior. 2011;79(1):1–17. doi: 10.1016/j.jvb.2010.10.004
3. Vargas OLP, Gómez SP, Ortíza CLS. From conciliation to work–family enrichment in educational institutions. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2015;191:1148–51. doi: 10.1016/j.sbspro.2015.04.503

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]

4. Yildirim M, Acar A. Influence of the work-family conflict on organizational cynicism and intermediary role of the life satisfaction. Journal of Yaşar University. 2018;13(51):267–80. [Turkish]
5. Săucan DŞ, Marhan AM, Micle MI. Exploring work-family conflict and reconciliation in a romanian sample. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2015;187:239–43. doi: 10.1016/j.sbspro.2015.03.045
6. Xie J, Shi Y, Ma H. Relationship between similarity in work-family centrality and marital satisfaction among dual-earner couples. Personality and Individual Differences. 2017;113:103–8. doi: 10.1016/j.paid.2017.03.021
7. Erdamar G, Demirel H. Investigation of work-family, family-work conflict of the teachers. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2014;116:4919–24. doi: 10.1016/j.sbspro.2014.01.1050
8. Fang Y-X. Burnout and work-family conflict among nurses during the preparation for reevaluation of a grade A tertiary hospital. Chinese Nursing Research. 2017;4(1):51–5. doi: 10.1016/j.cnre.2017.03.010
9. Sitimin SA, Fikry A, Ismail Z, Hussein N. Work-family conflict among working parents of children with autism in Malaysia. Procedia Computer Science. 2017;105:345–52. doi: 10.1016/j.procs.2017.01.232
10. Farahany F, Hekmatpour M, Moghaddam S. The women's occupation effect on their sexual satisfaction in their family. Journal of Cultural Management. 2016;9(30):111–22. [Persian] http://jcm.srbiau.ac.ir/article_10160_381f5e3b96af55e35720521a87ed2433.pdf
11. Matilla-Santander N, Lidón-Moyano C, González-Marrón A, Bunch K, Martín-Sánchez JC, Martínez-Sánchez JM. Attitudes toward working conditions: are European Union workers satisfied with their working hours and work-life balance? Gaceta Sanitaria. 2019;33(2):162–8. doi: 10.1016/j.gaceta.2017.10.006
12. Zanjani H, Baghiat Esfahani Z. The effectofemploymentandfamily life onsatisfactionofthe female teachers (Case Study:the employed teachersin zone one, Karaj). Journal of Socio - Cultural Changes. 2014;10(4):13–31. [Persian] http://journal.aukh.ac.ir/article_527963_0e0b1f23a351ea628faa2b8a53864376.pdf
13. Turliuc MN, Buliga D. Job and family satisfaction and work-family enhancement. mediating processes. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2014;159:115–9. doi: 10.1016/j.sbspro.2014.12.340
14. Zhao X (Roy), Qu H, Ghiselli R. Examining the relationship of work–family conflict to job and life satisfaction: A case of hotel sales managers. International Journal of Hospitality Management. 2011;30(1):46–54. doi: 10.1016/j.ijhm.2010.04.010
15. Greenhaus JH, Powell GN. When work and family are allies: A theory of work-family enrichment. The Academy of Management Review. 2006;31(1):72–92. doi: https://doi.org/10.5465/amr.2006.19379625
16. Yanchus NJ, Eby LT, Lance CE, Drollinger S. The impact of emotional labor on work–family outcomes. Journal of Vocational Behavior. 2010;76(1):105–17. doi: 10.1016/j.jvb.2009.05.001
17. Abbasi Asfajir AA, Amiri Mousavi SS. Relationship between job stress and marital adjustment and quality of life of female physicians in the Amol city. Quarterly Journal of Women and Society. 2018;9(35):271–88. [Persian] http://jzvj.miau.ac.ir/article_3199_e43385bae72ea9666e47b1240fca602d.pdf
18. Babaie Givi R, Nazari AM, Mohsenzadeh F. The comparison of psychological well-being and marital burnout and their dimensions among employed and unemployed women. Quarterly Journal of Women and Society. 2015;5(20):71–88. [Persian] http://jzvj.miau.ac.ir/article_687_7539d8b876fd89d8f63c2f134a72ce6c.pdf
19. Glaser BG, Strauss AL. The Discovery of Grounded Theory: strategies for qualitative research. New Brunswick: Aldine; 1967.
20. Corbin JM, Strauss AL, Strauss AL. Basics of Qualitative Research: techniques and procedures for developing grounded theory. 3rd ed. Los Angeles, Calif: Sage Publications, Inc; 2008.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.0.0.91.0]
[DOI: 10.29252/mejds.0.0.88]